

Intermediate 2 vocab

accusing (adj.)	متهم کننده
addict (n.)	معتاد (مثلا به تلویزیون)
addiction (n.)	اعتیاد (مثلا به اینترنت)
advertise (v.)	آگهی دادن (مثلا در روزنامه)
aimless (adj.)	بی هدف
alarm (n.)	دزدگیر، زنگ خطر
analyze (v.)	تجزیه تحلیل کردن
ancient (adj.)	باستانی، قدیمی
and so on (exp.)	و غیره
appendix (n.)	اپاندیس
armed forces, the (n.)	نیروهای مسلح (ارتش، دریایی و هوایی)
army (n.)	ارتش
arrangement (n.)	برنامه ریزی و کارهای یک مراسم
arson (n.)	ایجاد آتش سوزی عمدی (غیر قانونی)
asthma (n.)	(بیماری) آسم
astonished (adj.)	متحیر، حیران
astrological (adj.)	مربوط به طالع بینی (پیش بینی آینده از روی موقعیت ستارگان)
attention (n.)	توجه
at the time (exp.)	در آن زمان، آنوقت
automechanics (n.)	مکانیک اتومبیل
awl (n.)	درفش، سوراخ کن (در چوب و چرم)
ax(e) (n.)	تبر
bald (adj.)	بیمو، طاس
ball (n.)	هر نوع بازی با توپ (توپ بازی)
bang (n.)	صدای بلند یا محکم (تنگ)
banger (n.)	اتومبیل قدیمی و پرسروصدا
barely (adv.)	بسیختی، ندرتا، فقط
basis (n.)	مبنای اساس، پایه
(be) a matter of sth (exp.)	مسئله چیزی بودن (مثلا مسئله زمان بودن)
be a/the question of (exp.)	مهمترین مسئله این است که، مسئله چیزی بودن
be really sth (exp.)	خیلی خاص و قابل تحسین بودن
be under arrest (exp.)	توسط پلیس دستگیر بودن
bean (n.)	باقلا، لوبیا، دانه، حبیه
bear (v.)	تحمل نکردن (بعد از can't می آید)
beat (n.)	محل گشت یک افسر پلیس
behind sb's back (exp.)	پشت سر کسی (بدون متوجه شدن او)
belief (n.)	باور، عقیده
benefit (n.)	سود، بهره، منفعت
better late than never (exp.)	دیر رسیدن بهتر از هرگز نرسیدن است.
biography (n.)	(کتاب) زندگینامه
boast (v.)	خودستایی کردن، به رخ کشیدن
bologna (n.)	سوسیس دودی پخته که به صورت حلقه حلقه و سرد می خورند.
boob tube, the (n.)	تلویزیون
boredom (n.)	یکنواختی، خستگی، ملالت
bow (v.)	تعظیم کردن
brand (n.)	مارک، علامت تجاری
break in (v.)	به زور (برای دزدی ...) وارد ساختمان شدن
bright (adj.)	تیزهوش، زرنگ
broke (adj.)	بی پول
bump (n.)	دست انداز جاده (برآمدگی)
burglary (n.)	دزدی (ورود بخانه ای درشب بقصد ارتکاب جرم)
burst (n.)	یک احساس قوی، ناگهانی و کوتاه (مثلا عصبانیت، علاقه، ...)
(but) then/there again (exp.)	اما، از طرف دیگر
cable (n.)	سیستم پخش برنامه (تلویزیون) کابلی (پولی)
calculate (v.)	محاسبه کردن
calculator (n.)	ماشین حساب
candidate (n.)	داوطلب (کسی که امتحان می دهد)
cane (n.)	عصا
carryout (n.)	رستورانی که غذا را می خرید و با

case (n.)	خود می برید محفظه (مثلا برای نمایش دادن اشیاء عتیقه در موزه)
cast (v.)	انداختن (مثلا نگاه انداختن)
cavity (n.)	کرم خوردگی دندان
character (n.)	خصوصیت، نهاد، سیرت
characteristic (n.)	صفت اختصاصی، ویژگی
charm (n.)	طلسم، شیء طلسم شده که خوش شانسی می آورد.
cheat (v.)	تقلب کردن
chest (n.)	صندوق فلزی (مثلا برای دارو)
cholesterol (n.)	کلسترول (که برخی اوقات زیادی آن باعث بیماری قلبی می شود)
Christ (n.)	مسیح، عیسی
closed-captioned (adj.)	(برنامه) زیرنویس دار
cloth (n.)	پارچه
code (n.)	کد، رمز، علامت
cold turkey (adv.)	کاملا و ناگهان ترک کردن سیگار، مواد مخدر و ...
collar (n.)	یقه
combination (n.)	ترکیب (دو یا چند چیز)
come along (v.)	آمدن، ظاهر شدن، رسیدن
commercial (n.)	تبلیغات رادیویی یا تلویزیونی
competition (n.)	رقابت
compose (v.)	ساختن (موسیقی، اپرا، ...)
conductor (n.)	بلیط جمع کن یا بلیط فروش در قطار، اتوبوس و غیره
confess (v.)	اعتراف کردن، اقرار کردن
confront (v.)	مواجه شدن (با یک شرایط سخت یا یک فرد)
consumer (n.)	مصرف کننده
cordially (adv.)	از صمیم قلب، دوستانه
counsel (v.)	مشورت دادن
couple (n.)	زوج (زن و شوهر یا نامزد)
crucifix (n.)	صلیب عیسی (برخی اوقات به صورت گردنبد)
curious (adj.)	کنجکاو
darken (v.)	تاریک شدن، تاریک کردن
date from/back to (v.)	وجود داشتن از (گذشته، یک تاریخ خاص)
declare (v.)	اظهار داشتن، اعلام کردن
dedicate (v.)	اختصاص دادن (وقت و تلاش)
deed (n.)	کردار، رفتار
defeat (n.)	شکست
delay (n.)	تاخیر
deserving (adj.)	مستحق، لایق
designer (adj.)	(لباس) مارک دار و گران قیمت
destined (adj.)	عازم، مقدر (به وقوع اتفاقی در زندگی)
detergent (n.)	شوینده
Devil, the (n.)	شیطان
dilemma (n.)	مسئله غامض، وضع دشواری که باید در مورد آن تصمیم بگیرید کاری کنید
disability (n.)	نا توانی (مثلا در یادگیری یا فعالیت جسمی)
discomfort (n.)	ناراحتی، کار ناراحت کننده، (کار) صلب (کننده) آسایش (مثلا بعد از عمل جراحی، در سفر هوایی، ...)
discover (v.)	پی بردن به، دریافتن
disguise (n.)	تغییر قیافه، جامه مبدل
disgusted (adj.)	متنفر، بیزار
displeased (adj.)	ناراضی، ناخوشنود
dissatisfied (adj.)	ناراضی
disturbing (adj.)	آشفتنه کننده، مضطرب کننده
documentary (n.)	فیلم یا برنامه مستند
doorway (n.)	راهرو، درگاه ورودی
dot (n.)	نقطه
drag (v.)	(به سختی) کشیدن (چیزی سنگین روی زمین)
drive (v.)	کوبیدن (میخ و غیره)

drop (v.)	افتادن (ناخواسته و ناگهان)، کم کردن
dumb (adj.)	لال
eager (adj.)	مشتاق
educational (adj.)	آموزشی
emergency break (n.)	ترمز دستی
emotional (adj.)	عاطفی، احساسی (موسیقی)
emphasize (v.)	تاکید کردن به
enroll (v.)	اسم نویسی کردن
entitle (v.)	نام نهادن به، نامیدن
envious (adj.)	حسود
essay (n.)	انشاء
estimate (v.)	تخمین زدن، برآورد کردن
evenly (adv.)	عادلانه، به طور مساوی
evil (adj.)	شر، زشت
evil eye, the (n.)	چشم بد (توان جادویی آسیب رساندن به دیگران با نگاه کردن به آنها)
exquisite (adj.)	نفیس، عالی، دلپسند
eyebrow (n.)	آبرو
eye contact (n.)	تماس چشمی (نگاه کردن دو نفر به چشمان همدیگر)
fertility (n.)	باروری (زن)
fine (v.)	جریمه کردن
funny (adj.)	عجیب
gaze (v.)	خیره نگاه کردن (به علت تعجب یا تحسین)
gear (n.)	دنده (در اتومبیل و غیره)
get along (v.)	بسر بردن (علیرغم مشکلات)
get on with (v.)	پیش رفتن کار
glance (v.)	نظر اجمالی یا یک نگاه سریع انداختن
go Dutch (exp.)	دو تکی حساب کردن (هر کس پول خود را پرداخت کند)
go out of one's way to do sth (exp.)	تلاش بسیار کردن برای انجام کاری
go wrong (exp.)	خراب شدن (مثلا کار، رابطه دو نفر...)
graduation (n.)	مراسم فارغ التحصیلی
guilt (n.)	(احساس) گناه
gust (n.)	وزش تند و ناگهانی باد
hail (v.)	صدای زدن (تاکسی و ...)
half-hearted (adj.)	بی میلی، بی علاقه (مثلا تلاش بی میل)
halfway (adv.)	نیمه راه، حد واسط
heading (n.)	عنوان، سر فصل
hearing-impaired (adj.)	(فرد) سنگین گوش یا با شنوایی ضعیف
heavyhearted (adj.)	دل تنگ
hesitant (adj.)	مردد، دودل
hold one's horses (exp.)	لحظه ای صبر کردن
honor (n.)	افتخار
hood (n.)	کاپوت ماشین
hospitable (adj.)	مهمان نواز
hospitality (n.)	مهمان نوازی
hustle and bustle (exp.)	هیاهاو
identical (adj.)	برابر، همانند، همسان
ignition (n.)	استارت ماشین
ill-tempered (adj.)	بد خلق، بد خو
image (n.)	تصویر (تلویزیون، سینما، ...)
impair (v.)	آسیب زدن، معیوب کردن
imperfect (adj.)	ناقص
impressive (adj.)	موثر، برانگیزنده احساسات
improvise (v.)	بالبداهه ساختن (بدون تمرین قبلی سخن گفتن یا موسیقی ساختن یا نواختن)
incident (n.)	رویداد
indeed (adv.)	براستی، حقیقتا
influence (v.)	نفوذ کردن بر، تاثیر کردن بر
inquiring (adj.)	بازجویانه (نگاهی که گویی که فرد می خواهد سوال بپرسد)
inspect (v.)	بازرسی کردن، کنترل کردن
intense (adj.)	شدید، زیاد
inviting (adj.)	جاذب، جالب
irritated (adj.)	دلخور یا بی صبر (در مورد چیزی)

jiffy (n.)	یک لحظه
joy (n.)	خوشی
jump to conclusions (exp.)	عجولانه تصمیم گرفتن
keen (adj.)	مشتاق
knocker (n.)	کوبه در
ladder (n.)	نردبان
lead (v.)	موجب انجام کاری (بد) توسط کسی شدن
leak (n.)	نشت، رخنه
lean (v.)	تکیه کردن، تکیه زدن
leave out (v.)	صرف نظر کردن از، شامل نکردن
let go of sb/sth (exp.)	رها کردن کسی یا چیزی
lose track of sb/sth (exp.)	از کسی یا چیزی بی خبر ماندن
lower (v.)	کاهش دادن
magical (adj.)	جادویی
make head or tail of sth (exp.)	از چیزی سر در آوردن (معمولا در جملات منفی)
maladjusted (adj.)	ناسازگار، به خوبی تنظیم نشده
mall (n.)	مرکز خرید، پاساژ
margarine (n.)	مارگارین، کره گیاهی
master (n.)	استاد (در هنر و کارهای دستی)
mastery (n.)	تسلط، مهارت
media, the (pl.n.)	رسانه(ها)
medieval (adj.)	مربوط به قرون وسطی (سال های ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ بعد از میلاد در اروپا)
meditative (adj.)	اندیشمند، باملاحظه
method (n.)	روش
middle-aged (adj.)	میان سال، دوره میان سالی
military service (n.)	خدمت نظامی
mischievous (adj.)	بدجنس
misinformation (n.)	خبر نادرست (بخصوص همراه کننده)
moral (adj.)	اخلاقی، مربوط به معیارهای اخلاقی
motivation (n.)	انگیزه، تشویق
motive (n.)	غرض، انگیزه، علت
movie star (n.)	ستاره سینما
muffler (n.)	صدا خفه کن، انبار لوله آگزوز
mutter (v.)	مین مین کردن (موقع رنجش یا خجالت)
myth (n.)	افسانه
national (adj.)	ملی
network (n.)	شبکه رادیویی یا تلویزیونی
newlyweds (n.)	تازه ازدواج کرده ها
newsreader (n.)	اخبارگو
noodle (n.)	رشته فرنگی
not much of a (exp.)	مثال خوبی نبودن از، (در کاری) سرشته نداشتن
obviously (adv.)	بدیهی است که، مسلما
omen (n.)	شگون (نشانه اتفاقی خوب در آینده)
on the market (exp.)	(موجود) در بازار
opinion (n.)	نظریه، عقیده
opportunity (n.)	فرصت
or something (exp.)	چیزی (مثلا "دیدی دیر شد، حداقل تماسی چیزی می گرفتی")
organ (n.)	آرگ
out of whack (exp.)	خراب، دچار نقص
outpour (v.)	به طور آزاد و کامل بیان کردن
overwhelm (v.)	ناگهان از یک احساس لبریز شدن یا کردن
pace (v.)	قدم زدن
pale (adj.)	رنگ پریده
pass by (v.)	(از پهلو چیزی) رد شدن
passion (n.)	اشتیاق و علاقه شدید
pasta (n.)	پاستا (با شکل های مختلف ماکارونی، اسپاگتی، ورمیشل، لازانیا، راویولی، کازیلونی، مینسترونی، ریگاتونی و ...)
paste (v.)	چسباندن
path (n.)	مسیر
patrolman (n.)	پلیس گشتی
perfume (n.)	عطر

pick (v.)	انتخاب کردن
pick up the bill/tab (exp.)	پرداخت کردن (هزینه)
pillow (n.)	بالش
pin (v.)	سنجاق کردن
pineapple (n.)	آناناس
plainclothesman (n.)	پلیس مخفی (با لباس شخصی)
platform (n.)	سکو (در ایستگاه قطار و ...)
please (v.)	تخشوند ساختن
pleasure (n.)	خوشی
polished (adj.)	جلاداده، پولیش خورده
popularity (n.)	محبوبیت
poultry (n.)	گوشت مرغ و ...
practiced (adj.)	کارآموده
praise (v.)	تحسین کردن
precaution (n.)	احتیاط
pregnant (adj.)	حامله، باردار
previously (adv.)	قبلا، سابقا
principal (n.)	مدیر (مدرسه، دانشگاه)
proceed (v.)	پیش رفتن
product (n.)	محصول
programming (n.)	مجموعه برنامه های تلویزیونی
prominent (adj.)	برجسته، قابل توجه
prowl (v.)	پرسه زدن
pull over (v.)	اتوموبیل را بکنار جاده راندن، کنار زدن، کنار کشیدن
pull the plug on (exp.)	متوقف کردن (یک فعالیت)
punch (v.)	مضروب کردن، مگنه کردن
punctuation mark (n.)	علامت نقطه گذاری درجملات (ویزگول ...)
put on (v.)	وانمود کردن
quality (n.)	کیفیت
quarrel (v.)	مشاجره کردن
quarrelsome (adj.)	ستیزه جو
questionnaire (n.)	پرسشنامه
raised (adj.)	برجسته، برآمده
reach out (v.)	دست را به جلو بردن برای لمس کردن یا گرفتن
reality (n.)	حقیقت، شخصیت یا ماهیت واقعی
rear (adj.)	(در) پشت
reassuring (adj.)	اطمینان بخش
recommendation (n.)	پیشنهاد
record (v.)	ضبط کردن (روی نوار، سی دی و ...)
recover (v.)	بهبودی یافتن
reflection (n.)	انعکاس
relief (n.)	آسودگی
relieved (adj.)	آسوده
reputation (n.)	معروفیت
rescue (v.)	نجات دادن
resist (v.)	مقاومت کردن
respectful (adj.)	مودب
rev up (v.)	سرعت بخشیدن
reveal (v.)	آشکار کردن
rival (n.)	رقیب
rough (adj.)	تقریبی
rumor (n.)	شایعه
sacred (adj.)	مقدس
sail (v.)	با سرعت، اطمینان و آسودگی رد شدن یا راه رفتن؛ در دریا سفر کردن
salary (adv.)	دستمزد
satellite dish (n.)	پشقاب ماهواره
scarfpin (n.)	سنجاق (کراوات)
secret (n.)	رمز (موفقیت در کاری)
self-image (n.)	تصور یک فرد از خود
sense (n.)	ادراک، حس
serve (v.)	سودمند بودن برای
serving (n.)	یک پُرس غذا
set out (v.)	آغاز کردن به انجام فعالیتی با هدفی خاص

shake hands (v.)	دست دادن (موقع دیدار کسی)
shame (n.)	شرم، شرمساری
sheet (n.)	ورقه (فلزی، کاغذی ...)
shock absorber (n.)	کمک فنر
sight (n.)	منظره، صحنه دیدنی
signal (n.)	علامت، اختصار
simultaneous (adj.)	همزمان
sit (for) (v.)	شرکت کردن یا داوطلب شدن برای آزمونی
skyscraper (n.)	آسمان خراش
somehow (adv.)	بطریقی (نا معلوم)
somewhat (adv.)	قدری، مقدار نامعولمی، تا حدی
soul (n.)	روح، نفس
spark plug (n.)	شمع (در اتومبیل)
specialty (n.)	تخصص
study (n.)	اتاق مطالعه
stylish (adj.)	شیک، باسلیقه
subtitles (n.)	زیرنویس (اسم جمع)
superstition (n.)	خرافه، خرافات
superstitious (adj.)	خرافاتی
suspicious (adj.)	مشکوک
sway (v.)	این سو و آن سو جنبیدن، تاب خوردن
swing (v.)	تاب دادن
symbolic (adj.)	نمادی، نمادین
take heart (exp.)	تشویق شدن، دلگرم شدن
talent (n.)	استعداد
talk show (n.)	تاک شو (برنامه تلویزیونی بحث و صحبت)
tap (n.)	ضرورت آهسته (برای متوجه ساختن)
temptation (n.)	وسوسه
thrift store (n.)	فروشگاه لوازم و پوشاک دست دوم (معمولا برای اهداف خیریه)
touch (n.)	یک ذره، خیلی کم
tow (v.)	بُکسل کردن
trace sth (back) (to sth) (exp.)	ردیابی کردن، رد چیزی را گرفتن و به چیز دیگری رسیدن
transfer (v.)	از یک شغل، مدرسه، موقعیت به دیگری منتقل شدن
tremble (v.)	لرزیدن
triangle (n.)	مثلث
tribe (n.)	قبیله
truth (n.)	حقیقت
tuna (n.)	ماهی تونا یا تون
tune-up (n.)	تنظیم موتور
turn up (v.)	ظاهر شدن، رسیدن (به سر قرار)
twist (n.)	چرخش (بدن، دست ...)
UFO (n.)	پشقاب پرنده، شیء پرنده ناشناخته
unload (v.)	بار خالی کردن
vandalism (n.)	خرابکاری، دشمنی با علم و هنر، خرابکاری در شهر، مترو، اتوبوس و ...
victim (n.)	قربانی (زخمی یا کشته شده)
violence (n.)	بیخردمی، خشونت
vow (v.)	عهد، پیمان
weary (adj.)	خسته
whale (n.)	وال، نهنگ
witch (n.)	زن جادوگر
withdraw (v.)	کناره گیری کردن، صرف نظر کردن
withdrawal (n.)	دوره ناخوشی پس از ترک مصرف دارو
within (one's) reach (exp.)	دَم دست (کسی)
worthy (adj.)	شایسته
wrist (n.)	مچ دست
yield (v.)	تسلیم کردن یا شدن
yogurt (n.)	ماست
zip up (v.)	زپ چیزی را کشیدن